

زندگی موج دریاست

زندگی موج دریاست گاه بالا گاه نشیب
زندگی خواهی با موج دریا درآمیز
از عدم آمدنت سوی عدم رفتنت
خواه آشتی باشی باحوادث یادر ستیز
این کهنه سرا زال ازل را مهبط است
نه کام شیرین شادگرددزین نه زپرویز
ذره با ذره کتله با کتله در جدل
این سخن را درپرویزن فکرت ببیز
وضع عالم چون قیامت کبرا بود
هرجاکه بینی بلنداست غوغای رستاخیز
عشق ورزی هاگلخت راگلشن میکند
ازخلیلی بیفگن برآتش نمرود خیز
عاشقان بیدل راسوزوسامان یکیست
پرپروانه را برمشهد بلبل بریز
بهشت عیش خواهی حاجت محروم برار
برآتش هجر دل آب وصلت بریز
روز برتخت فتواو شب میر خرابات
شرم بادکه گویی از می ومطرب بپرهیز
ای خسروخوبان،وی ماه شیرین بیان
تو عاشق یکدیگر،من مشتاق شبدیز

فروغ روی خوبت از پرده بیرون آر

باحسن خدادادت شور در شهر بینگیز

م.ش. فروغ

ساحل دریای عجمان

درمقطع حرف غ فروغ به کسره خوانده شود